

عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛* فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود

هاشم داداش‌پور^{۱*}، نینا الوندی‌پور^۲

^۱ دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۵/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۳)

چکیده

عدالت فضایی از موضوعاتی است که در دهه اخیر ذهن جامعه علمی داخل کشور را در حوزه‌ی مطالعات شهری بسیار به خود مشغول کرده است؛ صاحب‌نظران متعددی در این حوزه به ایراد نظر پرداخته‌اند و پژوهش‌های مختلفی در این زمینه انجام یافته است. از این رو مقاله حاضر در نظر دارد تا به واکاوی و آسیب‌شناسی حوزه نظری پژوهش‌های انجام شده در قلمرو میان‌رشته‌ای عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران بپردازد. مقاله پیش رو از نوع ترکیبی و مبتنی بر راهبرد فرامطالعه است. جامعه‌ی آماری پژوهش را ۴۴ مقاله علمی-پژوهشی با محوریت موضوعی عدالت فضایی در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴ تشکیل می‌دهد. به منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها، از شیوه‌هایی چون مرور نظام‌مند و کدگذاری باز استفاده شده است. در این زمینه، فرم جامعی مخصوص تلخیص و استخراج داده از پژوهش‌های منتخب تهیه شد که حاوی مقوله‌هایی در خصوص مشخصات عمومی و چارچوب نظری مقاله‌ها بود. نتایج پژوهش، بیانگر عمق کم مطالعات در قلمرو نوظهور و میان‌رشته‌ای عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران است. پژوهش‌های انجام شده، به صورت فراگیری، تلقی سوسیالیستی از عدالت فضایی را مفروض گرفته‌اند؛ لذا در بیش‌تر پژوهش‌ها، رویکردی توزیعی از نوع برابری محور به بحث عدالت در شهر مورد توجه قرار گرفته و از توجه به ریشه‌های بی‌عدالتی در قالب عدالت ساختاری بازمانده‌اند.

واژه‌های کلیدی

عدالت فضایی، فرامطالعه، کدگذاری باز، مقاله‌های فارسی، ایران.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان: "زمینه‌یابی مدل نظری عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران مبتنی بر عقلانیت اسلامی" است که به راهنمایی نگارنده اول در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

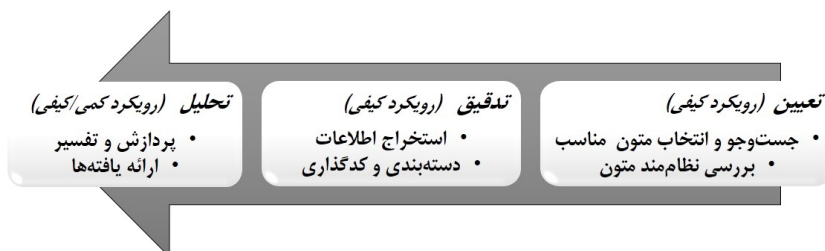
**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۳۵۴۰۲۹۰، شماره: ۰۲۱-۸۲۸۸۳۲۶۶-۰۰۲۱، E-mail: h-dadashpoor@modares.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر با رشد پژوهش و تولید دانش در حوزه‌های مختلف علوم و مواجهه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، پژوهشگران در عمل به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک موضوع و به‌روز بودن در این زمینه، تا حدود زیادی امکان‌پذیر نیست، لذا بهره‌گیری از روش پژوهش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام‌شده در یک موضوع خاص را به‌گونه‌ای نظام‌دار و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهند، گسترش روزافزون یافته است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۳ به نقل از: ازکیا و توکلی، ۱۳۸۵). این نوع از پژوهش‌ها، نتایج تحقیقات گذشته را به شکلی به یکدیگر مربوط می‌سازد که ضمن روشن نمودن وضعیت فعلی دانش در یک عرصه خاص، بی‌اعتمادی‌ها را رفع کرده و عرصه‌هایی را که به تحقیق بیش‌تری نیاز دارند مشخص نموده و به توسعه نظریه کمک می‌کند (سفیری و مدیری، ۱۳۹۰، ۱۴۷). از این رو مقاله پیش رو با توجه به دغدغه علمی نویسندگان در قالب یک مرور نظام‌مند ترکیبی به بررسی پژوهش‌های عدالت فضایی و وجه تشابه و افتراقشان با هدف شناسایی علل و عوامل شکل‌دهنده تأثیرگذار در حوزه چارچوب نظری پژوهش‌های عدالت در شهرها پرداخته است. شهر همواره با چالش‌های بسیاری از جمله نابرابری و بی‌عدالتی روبرو است که برای رفع این چالش‌ها، مفاهیمی چون عدالت فضایی باهدف کاهش نابرابری‌ها وارد مباحث برنامه‌ریزی شهری شد (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵؛ ۱۸۲). در ایران نیز به‌تبع تحولات جهانی و با توجه به سیاست‌های کلان کشور و شعار عدالت به‌عنوان اصل محوری

هر نوع توسعه، به‌ویژه در سال‌های اخیر بحث عدالت فضایی در حوزه مطالعات شهری مورد توجه قرار گرفته است؛ اما جستجو برای عدالت فضایی، نیازمند ایجاد چارچوب‌هایی منسجم برای فعالیت و درک مفاهیم است. همچنین از آنجایی که پارادایم‌های متفاوت در رقابت هستند تا تصور خود را از عدالت جهانی کنند (مارکوس و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۰)، پرسش مهم این است که در نظام برنامه‌ریزی شهری امروز کشور و زندگی روزمره شهری چه تصویری از عدالت فضایی رایج است؟ از این رو پژوهش حاضر تلاش دارد تا با فرامطالعه‌ی پژوهش‌های مربوط به عدالت فضایی در مقیاس شهری، چشم‌اندازی از کم و کیف این مهم در داخل کشور ارائه دهد. در این راستا دو پرسش فرعی زیر مورد توجه قرار گرفتند:

- مشخصات عمومی و ساختاری پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری چیست؟
 - چارچوب نظری و محتوایی پژوهش‌های عدالت فضایی در مقیاس شهر در ایران ناظر به چه مسائلی است؟
- لازم به ذکر است که پژوهش حاضر در سه مرحله؛ تعیین، تدقیق و تحلیل انجام شده است. در مرحله تعیین، تمامی اطلاعات موجود درباره پژوهش جمع‌آوری و برداشت شد. در مرحله تدقیق، تمامی مقاله‌های گردآوری‌شده بر اساس پارامترهای ارزیابی (محورها و مقولات تحلیلی)، دسته‌بندی و کدگذاری شدند. در مرحله تحلیل نیز، همه اطلاعات استخراج‌شده از مقاله‌های منتخب در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، پردازش، تحلیل و تفسیر شدند.



نمودار ۱- فرایند پژوهش.

۱- کندوکاوی در زمینه‌ها و بنیان‌های نظری عدالت فضایی

از زمان شکل‌گیری تمدن، شهرها دارای چالش‌های فراوانی بوده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به واقعیاتی چون نابرابری اجتماعی، قطبی‌شدن، فقر و نمود کالبدی این معضلات چون دسترسی نابرابر به سرمایه‌های شهری اشاره کرد. در تقابل با این معضلات و چالش‌ها بود که بحث عدالت در برنامه‌ریزی شهری وارد شد و جستجو برای عدالت یا تلاش برای مبارزه با بی‌عدالتی به یکی از اصلی‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری بدل شد. در همین راستا می‌توان تاریخچه توجه به عدالت در مباحث شهری را به سه دوره کلی تقسیم نمود (Fainstein, 2014). دوره ابتدایی که از سال‌ها پیش از افلاطون تا دوران معاصر را شامل می‌شود. در این دوران، عدالت

همواره موضوعی اساسی و مطرح در بین دانشمندان علوم سیاسی بوده است اما متخصصان علوم شهری از ورود مستقیم به مبحث عدالت خودداری می‌کردند (Fainstein, 2014, 1). بر این اساس مکاتب و اندیشمندان مختلفی به این مفهوم پرداختند و برای عدالت تعاریف متعددی ذکر شد. گاه عدالت در قالب یک امر مثالی و ماورایی و گاه در شکل موضوعی ملموس و قابل اندازه‌گیری تفسیر شد. در دوره میانی پس از تغییر رویکردی که در دانش مطالعات شهری در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به وقوع پیوست؛ متخصصان و متفکرانی که از دیدگاه انتقادی نسبت به شهر برخوردار بودند؛ هرچند به‌طور مستقیم به مبحث عدالت ورود پیدا نکردند، اما مباحث اخلاقی

۲- فرایندهای تصمیم‌سازی (مارکوس و همکاران، ۱۹۳۱؛ 2009; Soja, Dufaux et al., 2009). رویکرد اول بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی- اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی بر اساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است؛ مانند دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت هوای خوب و... رویکرد دوم اما بر فرایندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد. این رویکرد همچنین باز نمودهای فضایی، مکانی و هویتی و اعمال اجتماعی را شامل می‌شود؛ مانند وجود رویکردهای تبعیض‌آمیز در شکل‌دهی به فضای شهری. به بیان دیگر، عدالت فضایی هم می‌تواند به عنوان محصول و هم فرایند دیده شود. عدالت فضایی محصول‌گرا در قالب الگوهای توزیعی که به خودی خود عادلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد. عدالت فضایی فرایندی نیز به عنوان فرایندهای شکل‌دهنده به فضا مورد بحث قرار می‌گیرند (Dufaux et al., 2009; Soja, 2009; Fainstein, 2014).

۲- روش‌شناسی پژوهش

طرح تحقیق پژوهش پیش‌رو بر مبنای روش ترکیبی^۹ شکل گرفته است. به منظور پاسخ به هدف و پرسش‌های مطرح در این پژوهش، از طرح فرامطالعه^{۱۰} پاترسون و همکاران (۲۰۰۱) به عنوان راهبرد پژوهش استفاده شد. راهبرد فرامطالعه، نوع متفاوتی از مطالعه ثانویه است که در آن سعی می‌شود علاوه بر تلفیق نتایج پژوهش‌های قبلی، تأمل و تعمقی بر فرایندهای آنها نیز داشته باشد. فرامطالعه، مطالعه درباره پژوهش‌های دیگریا مطالعه پژوهش‌های دیگر است (Zhao, 1991). آنچه این راهبرد پژوهش را در این مقاله برجسته نموده است، تأکید آن بر رشته محوری است که با هدف فهم و پیشبرد رشته مورد نظر به انجام می‌رسد. در حقیقت فرامطالعه علاوه بر توصیف آنچه بوده، پژوهشی بازتابنده از آنچه باید باشد نیز است (Paterson et al., 2001). در نمودار ۲،

را در کارهای خود لحاظ نمودند (Ibid). این دوره آغاز پدیداری ادبیات عدالت شهری و تلاش برای تجدیدنظر در ارتباط بین فضا، توسعه، قدرت و برنامه‌ریزی بوده است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، الف، ۹۵). در همین راستا، نظریه‌پردازان معاصر ذیل سنت‌های برنامه‌ریزی غالب در جهان اول (آمریکایی- بریتانیایی- فرانسوی)، به توصیف چگونگی ارتباط بین عدالت، پاسخگویی و شهرپرداختند و در کاربردی نمودن این مفاهیم در قالب نظام برنامه‌ریزی شهرها توجه نمودند (از جمله Amin, 2006; Friedmann, 2000; Harvey, 1992; Merrifield & Swyngedouw, 1996). دوره سوم و از دهه ۱۹۹۰ به بعد، محققان شهری آشکارا شروع به توجه و آدرس‌دهی به موضوع عدالت کردند (Fainstein, 2014, 1). در این میان می‌توان به نظریه‌های برنامه‌ریزی ارتباطی (اینز- هیلی^۲- ساندرکاک^۳، اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ تاکنون)، به سوی کیهان شهر^۴ و ۲ (ساندرکاک)، برنامه‌ریزی گفتمانی (فیشر^۵)، شهر عدالت محور (فاینستاین- کمپل^۶)، برنامه‌ریزی همگانی (مارکوس^۷)، برنامه‌ریزی برابرانه (کرومهلز^۸) و عدالت فضایی (دیکسی^۸) اشاره داشت. همچنین در این دوره بود که رویکرد عدالت فضایی به شکلی صریح از سوی برنامه‌ریزان شهری مطرح شد. عدالت فضایی، مفهومی چندبعدی و پیچیده و در عین حال نوظهور و میان‌رشته‌ای است که در اشکال گوناگون در حوزه‌های علمی چون برنامه‌ریزی شهری، معماری، جامعه‌شناسی، جغرافیا و... طرح شده است و مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای این رویکرد، عدالت بُعد فضایی دارد و بنابراین می‌توان از یک نگرش فضایی به منظور تشخیص بی‌عدالتی در شهر استفاده کرد (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، الف، ۹۴). به بیانی عدالت فضایی، توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا با مقیاس‌های مختلف است. عدالت فضایی با اذعان به این نکته که فضا به شکل اجتماعی تولید می‌شود و فضای تولیدشده به روابط اجتماعی شکل می‌دهد، به تقویت مفهوم عدالت اجتماعی می‌پردازد (Bromberg et al., 2007, 3). در عدالت فضایی با دورویکرد اصلی روبه‌رو هستیم: ۱- توزیع فضایی



نمودار ۲- مراحل راهبرد فرامطالعه.

ماخذ: (برگرفته از محمدپور، ۷۲، ۱۳۸۹)

۳- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش پیش رو در دو بخش ساختاری و محتوایی ارائه شده‌اند. بخش ساختاری در پاسخ به پرسش اول پژوهش، به بررسی ویژگی‌های عمومی مقاله‌های منتخب پرداخته است تا از رهگذر این بررسی، وضعیت عمومی مطالعات در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران را ترسیم نماید. بخش محتوایی پژوهش نیز در پاسخ به پرسش دوم؛ چارچوب نظری پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه عدالت فضایی را به تفصیل تبیین نموده است.

۳-۱- فرامطالعه ساختاری مقاله‌ها

در این بخش، مشخصات عمومی مقاله‌های مطالعه شده در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهر در نشریات مورد مطالعه به شرح زیر و مطابق با جدول ۱ بررسی شدند:

- در ارتباط با **حوزه تخصصی مجریان پژوهش** از میان ۴۴ مقاله پژوهشی، ۵۵ درصد (۲۴ مورد) در حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و ۴۵ درصد (۲۰ مورد) در حوزه شهرسازی به انجام رسیده‌اند. این امر خود حاکی از استقبال عمده متخصصان شهرسازی و جغرافیایی از موضوع عدالت فضایی در شهر داشته است. البته لازم به ذکر است که این روند در طول زمان برای متخصصان شهرسازی روندی افزایشی بوده است و بیش‌ترین استقبال این متخصصان از موضوع عدالت فضایی در سال ۱۳۹۴ با ارائه ۵ مورد مقاله پژوهشی صورت گرفته است (عزیزی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۴؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴؛ داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴ ج)؛ که این خود شاید نشان از اهمیت یافتن و دغدغه‌مند شدن متخصصان این حوزه منتج از مشاهده نابرابری و شکاف فضایی موجود در شهرهای امروز است.

- چنانچه این مهم از منظر **گروه تخصصی فصلنامه‌های مخاطب** مورد توجه قرار گیرد، بازمهم گروه تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با ۲۸ مورد مقاله (۶۴ درصد) بالاترین سهم از کارهای پژوهشی در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری را به خود اختصاص داده است. فصلنامه‌های تخصصی شهرسازی اما با ۱۳ مقاله (۳۰ درصد) در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. البته در تصدیق نکات بخش قبلی در این مورد هم از سال ۱۳۹۳ به بعد گرایش و استقبال بیشتری توسط فصلنامه‌های شهرسازی از موضوعات مربوط به عدالت فضایی صورت گرفته است. هرچند با توجه به این نکته که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران شهرسازی و رشته‌های زیرمجموعه آن چون برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و مدیریت شهری، ساخت شهری عادلانه است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴)، لزوم توجه بیشتر به ابعاد گوناگون عدالت فضایی و قلم‌فرسایی متخصصان این حوزه به شدت احساس می‌شود.

- سهم پژوهش‌های انجام‌شده در بازه زمانی مورد بررسی به‌طور کلی افزایشی بوده است. همچنین نتایج استخراجی حاکی از افزایش تعداد مقاله‌ها و توجه بیشتر متخصصان به موضوع

مراحل راهبرد فرامطالعه در این پژوهش آورده شده است. روش‌های مورد استفاده در گردآوری و تحلیل اطلاعات متناسب با راهبرد پژوهش متن پایه انتخاب شده که از شیوه‌هایی چون مرور نظام‌مند^{۱۱} و کدگذاری باز^{۱۲} استفاده شده است. مرور نظام‌مند ابزاری جهت مطالعه کلان، جامع، تفسیر و تحلیل متونی است که به یک موضوع خاص مرتبط هستند (وفاییان و منصوریان، ۱۳۹۳، ۸۶). در این راستا کوشش شد تا با جستجوی اینترنتی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی نظیر پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه‌های اینترنتی مگ ایران، نورمگز، سیویلیکا و ایران‌داک (بانک اطلاعات پایان‌نامه‌های کشور) و همچنین موتور جستجوی گوگل و با استفاده از کلمات کلیدی چون «عدالت فضایی، عدالت شهری، نابرابری فضایی، عدالت اجتماعی، فضای شهری نابرابری، جدایی فضایی» نسبت به جمع‌آوری تمام پژوهش‌های منتشرشده اقدام شود؛ اما از آنجایی که دسترسی به محتوای طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها در موارد بسیار برای پژوهشگر با محدودیت روبه‌رو بود و لازمه چنین پژوهشی، بررسی چندین باره از محتوای مطالعات است و همچنین چون هر نویسنده‌ای علاقه‌مند به انتشار حاصل کار خود در مجله‌های معتبر علمی - پژوهشی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳، ۳۰۲)، لذا تصمیم بر آن شد که جامعه آماری این پژوهش از مقاله‌های چاپ‌شده در فصلنامه‌های علمی - پژوهشی کشور انتخاب شود. از این رو در پاسخ به پرسش اول پژوهش، ۴۴ مقاله چاپ‌شده با محوریت موضوعی عدالت فضایی در مقیاس شهری در فصلنامه‌های علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات شهری در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴ شناسایی شد. همچنین به دلیل کم بودن تعداد اعضای جامعه، نمونه‌گیری صورت نگرفت. بعد از شناسایی پژوهش‌های مورد نظر، متن این پژوهش‌ها به‌عنوان یک داده برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش در نظر گرفته شد و داده‌ها از نوع داده‌های کیفی انتخاب شدند که از کدگذاری باز برای تحلیل نظام‌دار داده‌ها استفاده شد (رضوانی، ۱۳۸۹، ۱۵۲). کدگذاری باز شیوه‌ای مناسب برای تحلیل اطلاعات کیفی و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در اینجا هدف، کمک به پدید آمدن یافته‌های پژوهش از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست. در این شیوه، محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند (تبریزی، ۱۳۹۳، ۱۲۳). در ادامه نیز فرم مخصوصی با عنوان «فرم جامع تلخیص و استخراج اطلاعات مقاله‌ها» تهیه شد که در آن، همه‌ی نکات قابل توجه در یک مقاله علمی^{۱۳} مدنظر قرار گرفت. این فرم، به‌هنگام مطالعه مقاله‌ها، نقش صافی اطلاعات را برعهده داشته و بستر ساز تجزیه یک مقاله به تعدادی مقوله‌های قابل تحلیل بوده و هدف از آن، بالا بردن کیفیت امکان تجزیه و تحلیل پژوهش‌ها است. همچنین برای اطمینان از روایی فرم جامع، این فرم به همراه اهداف تحقیق، میان ۱۰ نفر از کارشناسان توزیع شد و با اعمال نظرات کارشناسی و بازنگری نهایی، روایی صوری فرم جامع مورد تأیید قرار گرفت.

• بسندگی مبانی نظری ارائه شده در مقاله‌ها از منظر کیفیت متون نظری، انسجام مطالب و ارتباط بین مبانی نظری بیان شده و اهداف پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفت^۴. با توجه به نتایج بررسی، ۱۸ مقاله از ۴۴ مقاله مورد بررسی (۴۰ درصد) از منظر **بسندگی مبانی نظری**، خوب ارزیابی شده‌اند. این مقاله‌ها در بخش مبانی نظری، از منابع به‌روز، دسته اول و منسجم بهره گرفته بودند و ساختار مطالب ارائه شده در مبانی نظری در راستای پاسخگویی به اهداف اصلی مقاله در ارتباط با عدالت فضایی شکل گرفته بود. در این راستا می‌توان به مقاله‌های مرصوصی (۸۳)، وارثی و همکاران (۸۶ و ۸۷) و داداش‌پور و رستمی (۹۰) اشاره کرد که جزو پر استنادترین مآخذ فارسی در زمینه عدالت فضایی در مقیاس شهری نیز محسوب می‌شوند. در مقابل ۱۰ مقاله از ۴۴ مقاله مورد بررسی (۲۳ درصد) که حجم قابل توجهی را نیز تشکیل داده‌اند، از کیفیت بسیار پایینی در ارائه مطالب نظری برخوردار بودند. یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف این مقاله‌ها، استفاده نادرست و ناآگاهانه و بدون ذکر منبع از پژوهش‌های سایرین در زمینه عدالت فضایی بود که چرخه معیوبی از اطلاعات و کاربرد آن‌را در توسعه پژوهش‌های داخلی در این زمینه ایجاد کرده است.

۳-۲- فرامطالعه محتوایی مقاله‌ها

محتوای مقاله‌های منتخب ذیل مقوله‌هایی چون «رویکرد نظری پژوهش، نظریه پایه، سطح پژوهش، محور پژوهش و شاخص و معیارها» مورد بررسی قرار گرفتند:

• رویکرد نظری پژوهش

هر پژوهش علمی باید با رویکردهای نظری مشخصی طراحی شده باشد. این رویکردها، پایه‌ای هستند که پژوهش بر مبنای آن شکل می‌گیرد و شبکه‌ی منطقی از روابط و توصیف‌ها را

عدالت فضایی از سال ۱۳۹۰ به این سمت است. در این میان بیشترین تعداد مقاله‌ها (۱۴ مورد-۳۲ درصد) در سال ۱۳۹۳ انتشار یافته است.

• **از نظر پراکندگی جغرافیایی پژوهش**، به ترتیب تهران و مشهد هرکدام با ۱۰ مقاله (۲۸ درصد) و ۴ مقاله (۱۱ درصد) بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. در رتبه‌های بعدی نیز شهرهایی چون یاسوج و زاهدان واقع شده‌اند و مابقی شهرها هرکدام تنها یک مورد پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. تعمق در نتایج، نشان دهنده‌ی وضعیت نامطلوب دو کلان‌شهر مهم کشور در آمار مربوط به عدالت فضایی است که این امر با توجه به میزان بالای جدایی‌گزینی‌های اجتماعی اقتصادی و گسست فضایی حاصل از تحولات گسترده فضایی در این دو شهر و همچنین پیامد آن عدم تعادل فضایی در توزیع خدمات بین مناطق شمال و جنوب در این شهرها قابل توجه است (ساسانپور و همکاران، ۱۳۹۳؛ علوی و احمدی، ۱۳۹۳؛ خیرالدین، ۱۳۹۲؛ رفیعیان و شالی، ۱۳۹۱؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۳؛ حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳؛ روستایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰؛ کامران و همکاران، ۱۳۸۹؛ طبیبیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸؛ جوان و عبداللهی، ۱۳۸۷؛ مرصوصی، ۱۳۸۳). آنچه حائز اهمیت است، لزوم توجه به وضعیت عدالت فضایی در سایر کلان‌شهرها و همچنین شهرهای میانی و کوچک در ایران است؛ زیرا هر یک از این شهرها دغدغه‌ها و مسائل خاص خود را در برخورد با پدیده نابرابری و بی‌عدالتی فضایی دارند.

• در ارتباط با **پیشینه پژوهشی** که دروازه‌ای برای ورود هدفمند و نظام‌مند به بحث اصلی نظری در پژوهش‌ها است، نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که از ۴۴ مقاله مورد بررسی، تنها ۲۰ مقاله (۴۵ درصد) به پیشینه نظری پژوهش توجه داشته‌اند و در ۲۴ مقاله (۵۵ درصد) اشاره‌ای به پیشینه صورت نگرفته است؛ که این امر خود می‌تواند دلیلی بر ضعف پایه‌های نظری پژوهش در این مقاله‌ها باشد.

جدول ۱- مشخصات ساختاری مقاله‌های مطالعه شده با محوریت عدالت فضایی.

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد
حوزه تخصصی مجریان پژوهش (۴۴ مورد)	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۲۴	۵۵
	شهرسازی	۲۰	۴۵
گروه فصلنامه چاپ شده (۴۴ مورد)	گروه شهرسازی	۱۳	۳۰
	گروه جغرافیا	۲۸	۶۴
	گروه علوم اجتماعی	۲	۵
	گروه علوم اقتصادی	۱	۲
توجه به پیشینه نظری در پژوهش (۴۴ مورد)	موردپژوهی (برنامه توسعه)	۱	۲
	بله	۲۰	۴۵
بسندگی مبانی نظری (۴۴ مورد)	خیر	۲۴	۵۵
	خوب	۱۸	۴۱
	متوسط	۱۶	۳۶
	ضعیف	۱۰	۲۳

توزیعی برگرفته از اصول برابری فرصت‌ها، بخش درخور توجهی از مقاله‌ها (حدود ۸۰ درصد) با رویکرد توزیعی را به خود اختصاص داده است. این نوع از عدالت بر سهم برابر در توزیع و به‌ویژه برابری فرصت‌ها تأکید دارد. از سوی دیگر عدالت نیاز محور در توزیع منابع بیشتر به محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی و توزیع خدمات متناسب با نیازها تأکید دارد (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰ الف، ۱۷۶)؛ که در این پژوهش حدود ۲۰ درصد مقاله‌ها با رویکرد عدالت توزیعی، نیاز محور بوده‌اند. همچنین دو رویکرد بازار محور و تقاضا محور نیز در ذیل عدالت توزیعی قابل تعریف است که در این پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند که علت این امر را می‌توان در محدودیت سنجش‌پذیری شاخص‌های این دو گونه از عدالت توزیعی دانست. رویکرد عدالت ساختاری نیز در مقاله‌های مورد بررسی خود به دو گونه مبتنی بر اندیشه‌های لیبرال / سوسیالیستی و مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی قابل تفکیک است؛ که در این میان مقاله‌های مبتنی بر اندیشه‌های لیبرال / سوسیالیستی سهمی حدود ۷۰ درصد مقاله‌های حوزه عدالت ساختاری را به خود اختصاص داده‌اند. این امر همان‌طور که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، ناشی از ضعف پژوهش‌های بومی و اصیل در حوزه عدالت فضایی است.

• نظریه پایه پژوهش

در این بخش مشخص شد که پایه‌های پژوهش در مقالات مورد بررسی بر مبنای کدام نظریه‌ها در حوزه عدالت فضایی شکل یافته است و چه نظریه‌هایی به‌عنوان ابزار آزمودنی مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته‌اند. در این میان نظریه عدالت اجتماعی دیوید هاروی با سهمی حدود ۸۰ درصد (۳۰ مقاله) از بین ۳۹ مقاله^{۱۶} مورد بررسی به‌عنوان نظریه پایه شناسایی شد. نظریه عدالت از منظر اسلام نیز با ۴ مقاله، ۱۰ درصد از جامعه آماری را به خود اختصاص داده و با اختلاف اساسی در رتبه دوم قرار گرفت. دو مقاله نیز به‌صورت اشتراکی از نظریات راولز - هاروی و نظریات فاینستاین - هاروی بهره گرفته بودند و سه مقاله (۸ درصد) نیز فاقد نظریه پایه بودند. چند نکته اساسی در بررسی و تحلیل روند مشاهده شده در این بخش حائز اهمیت است، نکته اول، تسلط تفکر سوسیالیستی از عدالت فضایی مبتنی بر نظریه عدالت اجتماعی هاروی در پژوهش‌های انجام یافته داخلی است. این امر سبب شده است تا بسیاری از پژوهش‌های عدالت فضایی در ایران، پایه پژوهش خود را بر تعاریف دیوید هاروی از عدالت

پدید می‌آورد (خاکی، ۱۳۸۶، ۳۰). همان‌طور که در مبانی نظری این پژوهش نیز بدان اشاره شد، عدالت فضایی دارای دو رویکرد اساسی است: ۱- توزیع فضایی که بیشتر بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی - اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی بر اساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است و دیگری ۲- فرایندهای ساختاری که هدف آن بررسی و ارزیابی فرایندهای شکل دهنده به فضا است (مارکوس و همکاران، ۱۳۹۱؛ Soja, 2009; Dufaux et al., 2009)، که با توجه به توضیحات ارائه شده در بالا می‌توان از این دو رویکرد عدالت فضایی با عنوان عدالت توزیعی و عدالت ساختاری نام برد. بنا بر داده‌های جدول ۲، بهره‌گیری از رویکرد عدالت توزیعی با بیش از ۷۰ درصد فراوانی (۳۳ مقاله)، از اهمیت و نقش چشمگیری در پژوهش‌های حوزه عدالت فضایی برخوردار است. عدالت ساختاری اما با ۲۵ درصد فراوانی (۱۱ مقاله)، نقش بسیار کم‌رنگ‌تری را به خود اختصاص داده است^{۱۵}؛ اما در سال‌های اخیر (۹۳-۹۴)، کاربرد رویکرد ساختاری به عدالت در مقاله‌ها و پژوهش‌های حوزه عدالت فضایی پررنگ‌تر شده است. به طوری که در سال ۹۴ از ۷ مقاله انجام یافته در حوزه عدالت فضایی، ۴ مقاله مبتنی بر رویکرد عدالت ساختاری شکل گرفته‌اند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴ ب؛ داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴؛ عزیزی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۴). اهمیت این مطالب از این روست که صورت‌بندی ساختاری از عدالت فضایی به‌عنوان یک گفتمان انتقادی، هدفش حذف تبعیض، کاهش فقر، جدایی‌گزینی اجتماعی و سلطه است. این چنین مفهوم‌سازی از عدالت فضایی در شهر، نیازمند شناخت بازیگران قدرت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تحلیل روابط قدرت، ساختارها و فرایندهای برنامه‌ریزی است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین نیاز امروز جامعه ما نیز کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها است که متأسفانه مغفول مانده است. در این راستا ضرورت دارد تا فرصت پژوهش‌های آتی بیشتر به ارزیابی عمیق عدالت ساختاری در سنت شهرسازی و اسناد توسعه شهری ایران و همچنین رویه‌های اجرایی اختصاص داده شود. لازم به ذکر است که نحوه کاربرد عدالت توزیعی و عدالت ساختاری در مقاله‌های مورد بررسی خود در قالب گونه‌های مشخص‌تری قابل تدقیق است. در این راستا، مقاله‌های مبتنی بر رویکرد عدالت توزیعی در قالب دو گونه «نیاز محور» و «برابری محور» قابل تفکیک می‌باشند. با توجه به نتایج جدول ۲، عدالت

جدول ۲- رویکرد نظری غالب مقاله‌های مورد بررسی.

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد	کدها	تعداد	درصد
رویکرد نظری غالب پژوهش و انواع آن (مورد ۴۴)	عدالت توزیعی	۳۳	۷۵	نیاز محور	۷	۲۱
	عدالت ساختاری	۱۱	۲۵	برابری محور	۲۶	۷۹
				تأکید بر اندیشه لیبرال / سوسیال	۸	۷۳
				تأکید بر اندیشه اسلام	۳	۲۷

داشته‌اند و باقی مقاله‌ها (۳۷ مقاله) از مبانی اسلامی در طرح مساله عدالت بهره نبرده‌اند. در آخر نیز باید به این نکته اشاره کرد که در ارتباط با نظریات غیربومی از عدالت فضایی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، نظریات جدیدی ارائه شده است از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به نظریه شهر عدالت محور فاینستاین یا نظریه ارتباطی از هیلی، نظریه عدالت یانگ، عدالت فضایی سوگا و... اشاره کرد که مقاله‌های مورد مطالعه به این لنزهای نظری توجه کافی نداشته‌اند. از این روست که بیشترین استناد نظری در منابع لاتین (بیش از ۷۰ درصد مقاله‌ها) نیز برگرفته از کتاب شهر و عدالت اجتماعی هاروی است و در رتبه دوم و سوم به ترتیب کتاب عدالت به مثابه انصاف راولز (۲۵ درصد مقاله‌ها) و شهر عدالت محور فاینستاین (۱۴ درصد مقاله‌ها) قرار گرفته‌اند.

• سطح پژوهش

در ارتباط با سطح پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهر، مشخص شد که گونه «موردپژوهی با تمرکز بر ارزیابی وضع موجود» با ۳۴ مورد (۷۷ درصد) بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. سهم مقاله‌های نظری در این میان ۸ مقاله (۱۸ درصد) بوده است. همچنین در هر یک از دو گونه «موردپژوهی با تمرکز بر قوانین و مقررات» و «موردپژوهی با تمرکز بر ارزیابی برنامه‌های توسعه»، تنها ۱ مقاله پژوهشی نگاشته شده است (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸ و طبیبیان و همکاران، ۱۳۸۹)؛ که با توجه به اهمیت این دو حوزه و نقش ساختاری و زیربنایی آنها در تولید فضاهای ناعادلانه در شهر این امر خود نیازمند تأمل بسیار است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری نیز بدان اشاره شد، عدالت فضایی دارای دو رویکرد اساسی است. عدالت فضایی محصول‌گرا که بیشتر به ارزیابی وضع موجود شهرها از منظر برابری‌های فضایی می‌پردازد و دیگری عدالت فضایی فرایندگرا است که هدف آن بررسی و ارزیابی فرآیندهای

قرار دهند. هاروی؛ از برجسته‌ترین جغرافی‌دانان نیمه دوم قرن بیستم و از شاگردان مارکس بود. از این رو مفهوم سوسیالیستی از عدالت را مورد توجه قرار داده است (Fainstein, 2014) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴ الف؛ داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴ ب). او در کتاب شهر و عدالت اجتماعی، به ارائه تحلیل‌هایی مبتنی بر چگونگی ارتباط فضای شهری و وضعیت اجتماعی شهروندان پرداخت. از نظر هاروی، فضا، عدالت اجتماعی و شهری شدن باید در ارتباط با یکدیگر درک و فهمیده شوند و این امر در متن شناخت‌شناسی مارکسیستی امکان‌پذیر است زیرا امکان مصالحه موضوعات متضاد و مناقشه‌برانگیز را فراهم می‌کند (هاروی، ۱۳۷۶، ۹۵). عدالت اجتماعی از نظر هاروی اصلی است برای حل و فصل دعاوی متضاد که لازمه همکاری اجتماعی افراد برای ترقی است (Harvey, 1992). هاروی در ارتباط با عدالت اجتماعی در ذیل نظریه شهر و عدالت اجتماعی خود، اصل توزیع عادلانه از طریق عادلانه را ملاک عمل قرار داده و سه معیار نیاز، منفعت عمومی و استحقاق را به عنوان مهم‌ترین معیارهای تبیین عدالت اجتماعی برمی‌شمرد (هاروی، ۱۳۷۶، ۱۰۱). نکته دوم این‌که پژوهش‌هایی که پایه خود را بر نظریه عدالت از منظر اسلام قرار داده‌اند همگی نوپا بوده و نتوانسته‌اند در ارتباط با نظریه عدالت فضایی از منظر اسلام به عمق مورد نظر دست یابند. از جمله دلایل این امر می‌توان به این نکته اشاره داشت که نظریه اسلامی عدالت در دسته نظریه‌های بیرون‌زای برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد؛ لذا این مقاله‌ها به تعاریف اولیه از عدالت اسلامی بسنده کرده و موفق به بهره‌گیری از نظریات درون‌زای عدالت محوری و استخراج روش‌مند معیارهای اصیل عدالت فضایی از منظر اسلامی نشده‌اند (خیرالدین، ۱۳۹۲؛ داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴ ج؛ سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸). همچنین در جهت تأیید مطالب فوق و با توجه به نتایج استخراجی از مقوله «بهره‌گیری از مبانی اسلامی عدالت در مقاله‌ها»، مشخص شد که تنها کمتر از ۲۰ درصد مقاله‌ها (۷ مقاله) به مبانی اسلامی عدالت توجه

جدول ۳- نظریه پایه در مقاله‌های مورد بررسی.

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد
نظریه پایه پژوهش (۳۹ مورد)	عدالت اجتماعی هاروی	۳۰	۷۷
	عدالت اسلامی	۴	۱۰
	عدالت راولز- عدالت اجتماعی هاروی	۱	۳
	عدالت اجتماعی هاروی- شهر عدالت محور فاینستاین	۱	۳
	فاقد نظریه پایه	۳	۸

جدول ۴- نوع مقاله‌های مطالعه شده با محوریت عدالت فضایی.

مقوله‌ها	کدها	تعداد	درصد
نوع پژوهش (۴۴ مورد)	نظر پژوهی	۸	۱۸
	موردپژوهی (وضع موجود)	۳۴	۷۷
	موردپژوهی (قوانین و مقررات)	۱	۲
	موردپژوهی (برنامه توسعه)	۱	۲

است. در این راستا کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند (ساسانپور و همکاران، ۱۳۹۳؛ مستوفی الممالکی و همکاران، ۱۳۹۲). دستیابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری، هدف بااهمیتی برای برنامه‌ریزان شهری محسوب می‌شود (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ حیدری چپانه و همکاران، ۱۳۹۳؛ روستایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۲؛ داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰ الف). البته لازم به ذکر است که این شیوه برخورد با موضوع آسیب‌هایی را نیز در ارتباط با رویکرد عدالت فضایی به همراه دارد؛ زیرا پژوهش‌های انجام‌یافته عمدتاً فاقد نگاه شهرسازی بوده و تنها توزیع منابع و فرصت‌ها را در وضع موجود بررسی نموده‌اند و توجهی به اثرات مداخلات مدیریت شهری و برنامه‌های توسعه در افزایش و یا کاهش عدالت فضایی نداشته‌اند؛ و این در حالی است که عدالت فضایی به‌عنوان یک گفتمان انتقادی در دنیا اهداف دیگری چون حذف تبعیض، کاهش فقر، جدایی‌گزینی اجتماعی و... را نیز دنبال می‌کند. دومین محور موضوعی که با سهمی معادل ۱۸ درصد در این پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، چیستی مفهوم عدالت فضایی و نظریاتی است که ذیل این رویکرد طرح شده‌اند. در حقیقت مهم‌ترین اقدام در تحقق عدالت بررسی چیستی مفهوم عدالت است. شناخت مفهوم عدالت نیز مقدمه ورود به بحث معیارهای عدالت است تا بر اساس آن بتوان در گام عملیاتی و در تحقیقات کاربردی به برنامه‌ریزی و اجرای عدالت پرداخته شود (تراب‌زاده جهرمی و سجادی، ۱۳۹۰، ۶۱). از این رو ترسیم و تبیین مفهومی عدالت فضایی و نظریه‌های ذیل آن، نقش مهمی در فهم ساده‌ترین موضوع و تحقق عدالت خواهند داشت. در این میان گونه‌شناسی نظریات برنامه‌ریزی شهری عدالت محور و تحولات مفهومی آن (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴؛ شکوهی، ۱۳۹۳؛ سعیدی رضوانی و نوربان، ۱۳۹۳؛ نوربان و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۲)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی با محوریت مفاهیم اسلامی (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴ ب؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴) و بررسی جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴)، ابعاد مختلف این محور موضوعی را تشکیل داده‌اند. محور موضوعی توسعه‌یافتگی نیز با سهمی حدود ۱۰ درصد، به بررسی توزیع جغرافیایی شاخص‌های فقر و توسعه در قالب ناهماهنگی فضایی - اجتماعی ذیل رویکرد عدالت فضایی در مقیاس شهری پرداخته است. پژوهش‌های انجام‌یافته ذیل این محور معتقدند که فرایند حرکت جوامع از موقعیت موجود به سوی موقعیت مطلوب، به‌عنوان توسعه و توسعه‌یافتگی، زمانی چارچوب تحقق عدالت فضایی را در شهر فراهم می‌آورد که به صورتی همه‌جانبه و متعادل خود را در ساختار فضایی شهر آشکار نماید و این امر مستلزم آن است که در گام نخست نیازهای اولیه شهروندان در حد معمول برآورده شود و بعد از آن فضاها و

شکل‌دهنده به فضا است که در دو بخش برنامه‌های توسعه و قوانین و مقررات و ساختارهای مدیریتی حاکم بر برنامه‌ریزی از تأثیرگذارترین عوامل در این حوزه محسوب می‌شوند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶؛ نیومن و تورنلی، ۱۳۸۷؛ برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰). نظام حاکم بر چیستی یافته‌ها در این بخش حاکی از این امر است که بیش از ۷۰ درصد پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه عدالت فضایی در راستای عدالت محصول‌گرا و پیامد و اثر حاصل از تحولات در فضاهای شهری انجام‌یافته است. حال آن‌که نیاز امروز جامعه ما، کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها است که متأسفانه مغفول مانده است. در این راستا ضرورت دارد تا فرصت پژوهش‌های آتی بیشتر به ارزیابی عمیق عدالت فضایی در سنت شهرسازی و اسناد توسعه شهری ایران و همچنین رویه‌های اجرایی اختصاص داده شود.

• محور پژوهش

در خلال پژوهش همچنین مشاهده شد که مواردی چون توزیع خدمات شهری، چیستی عدالت فضایی، توسعه‌یافتگی، ارزیابی برنامه توسعه شهری و حاشیه‌نشینی مقوله‌ای اساسی با عنوان محورهای موضوعی در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهر را تشکیل داده‌اند. در این میان با توجه به نتایج جدول ۵، توزیع خدمات شهری با ۲۷ مقاله، مهم‌ترین محور موضوعی شناسایی شد و حاشیه‌نشینی نیز با اختصاص ۱ مقاله، کم‌ترین سهم موضوعی را به خود اختصاص داد. علت این امر از سویی به این نکته باز می‌گردد که اولین سطح در بروز ناعدالتی در شهرها، پیامدها و اثرات اقدامات شهرسازانه در وضع موجود است. در این میان تأمین دسترسی به خدمات شهری و کاهش نابرابری فضایی مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزان شهری محسوب می‌شود (عزیزی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۴). توزیع متعادل و متوازن خدمات شهری برای شهروندان، سبب ایجاد نوعی عدالت و برابری در میان فضای شهری شده و به‌طور تفکیک‌ناپذیری با رفاه اجتماعی پیوند دارد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۱۳)؛ اما امروزه رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای ایران در دهه‌های اخیر، از هم‌پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری را موجب شده که این امر خود زمینه‌ساز نابرابری فضایی بین شهروندان در برخورداری از خدمات شهری است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴ ج، ۶). از سویی دیگر بین نابرابری فضایی و توزیع ناعادلانه خدمات و مشکلات زیست‌محیطی و کالبدی در سطح شهر همواره یک رابطه چرخشی وجود دارد که منجر به اهمیت یافتن محور موضوعی چون توزیع خدمات شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). در چنین شرایطی زمینه‌ای است که در مرور صورت گرفته نیز این محور موضوعی با سهمی حدود ۶۰ درصد طیف گسترده‌ای از برخورداری از کاربری‌های شهری و خدماتی را دربر می‌گیرد؛ زیرا که یکی از اهداف اصلی رشته برنامه‌ریزی شهری، تخصیص و توزیع منابع کمیاب در بین مکان‌های مختلف شهر

پیشرفت‌های قابل‌سنجش در جهت اهداف برنامه (بر اساس اطلاعات موجود) بپردازد (عزیزی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۴؛ طبیبیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸). حاشیه‌نشینی نیز به‌مثابه فرایند محلی، ملی و فراملی بازتاب فضایی بی‌عدالتی (جوان و عبداللهی، ۱۳۸۷) در سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است که تلاش در جهت دفع این مساله توجه اساسی را به خود طلب می‌کند.

در انتهای این بخش و از آنجایی که یکی از روش‌های مطلوب برای توسعه مبانی نظری پژوهش، تعیین معیارها و شاخص‌های مؤثر بر موضوع پژوهش است، کوشش شد تا معیارها و شاخص‌های مورد استفاده در هریک از ۴۴ مقاله مورد بررسی به تفکیک رویکردهای پژوهش استخراج و تفسیر شوند. نکته قابل‌تأمل این‌که پژوهش‌ها با رویکرد توزیعی بیشتر کمی بودند. لذا معیار و شاخص‌های عینی برای پژوهش ارائه شده بود اما پژوهش‌ها با رویکرد ساختاری بیش‌تر کیفی بوده و معیارهای مورد بررسی شان ذهنی‌تر هستند.

مکان‌ها که با توجه به شرایط زمانی و مکانی با مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی درگیر هستند، مورد توجه قرار گیرند (خیرالدین، ۱۳۹۲؛ رفیعیان و شالی، ۱۳۹۱؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مرصوصی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر آنچه در بررسی و تحلیل نتایج جدول ۵ خودنمایی می‌کند، سهم بسیار پایین از پژوهش‌های انجام‌یافته در ارتباط با دو محور موضوعی ارزیابی برنامه توسعه شهری (۷ درصد) و حاشیه‌نشینی (۲ درصد) است و این در حالی است که موضوعاتی از این دست، با نگاه ساختاری به عدالت فضایی، زمینه‌ساز ریشه‌یابی بی‌عدالتی در شهر می‌باشند. همچنین این‌طور به نظر می‌رسد که برای شناخت عمل برنامه‌ریزان در جهت عادلانه‌تر کردن شهر، لازم است که سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات توسعه شهری از حیث عادلانه بودن مورد ارزیابی قرار گیرند. ارزیابی عدالت در برنامه‌های توسعه شهری همچنین می‌تواند موجب ارتقای کارایی برنامه‌ها، افزایش اثربخشی و بالارفتن میزان پاسخ‌گویی آنها به نیازها شود. این ارزیابی باید بر روی اهداف و انتظارات متمرکز شود و به بررسی واقعیت‌ها در اجرای برنامه و احتمال دستیابی به

جدول ۵- محور موضوعی مقاله‌های مورد بررسی.

مقاله‌ها	کدها	تعداد	درصد	نمودار
محور موضوعی پژوهش (۴۴ مورد)	توزیع خدمات شهری	۲۷	۶۱	
	چسبندگی فضایی	۸	۱۸	
	توسعه‌یافتگی	۵	۱۱	
	ارزیابی برنامه توسعه شهری	۳	۷	
	حاشیه‌نشینی	۱	۲	

جدول ۶- معیار و شاخص‌های استخراجی از مقاله‌های مورد بررسی.

رویکرد پژوهش	معیار	شاخص	منبع
عدالت توزیعی	دسترسی ساکنان به خدمات (دستیابی)	ساختار شهری	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (علوی و احمدی، ۱۳۹۳)
		اهمیت خدمات / پتانسیل خدماتی	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰) (امین‌زاده و روشن، ۱۳۹۳) (کریمیان بستناوی و مولایی هاشجیه، ۱۳۹۱)
		تراکم برخورداری از خدمات	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (کریمیان بستانی و اقبالی، ۱۳۹۰) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰) (الف) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰) (ب) (امین‌زاده و روشن، ۱۳۹۳) (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲) (کامران و همکاران، ۱۳۸۹)
		فاصله از خدمات	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (کریمیان بستانی و اقبالی، ۱۳۹۰) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰) (الف) (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰) (امین‌زاده و روشن، ۱۳۹۳) (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲)
			(روستایی و همکاران، ۱۳۹۳)

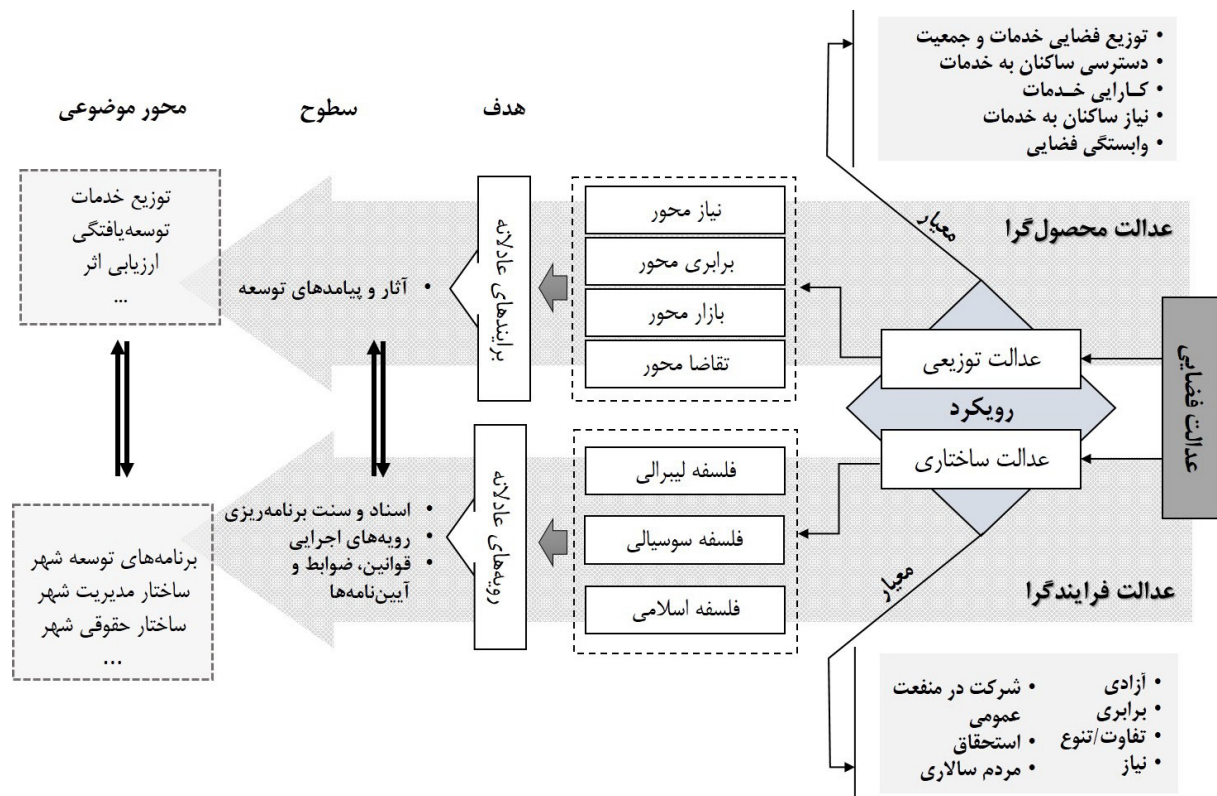
ادامه جدول ۶.

رویکرد پژوهش	معیار	شاخص	منبع
عدالت توزیعی	توزیع فضایی خدمات و جمعیت	میزان جمعیت - مساحت کاربری ها - سرانه کاربری ها	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (روستایی و همکاران، ۱۳۹۲) (نظم فرو و همکاران، ۱۳۹۳) (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲) (مستوفی الممالکی و همکاران، ۱۳۹۲) (ساسانیپور و همکاران، ۱۳۹۳) (موسوی، ۱۳۹۱) (کریمیان بستانی و اقبالی، ۱۳۹۰) (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰) (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۰) (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۹) (موحد و همکاران، ۱۳۹۳) (ذاکریان و همکاران، ۱۳۸۹) (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷) (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶) (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳) (توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۴) (حیدری چپانه و همکاران، ۱۳۹۳) (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۳) (رفعیان و شالی، ۱۳۹۱) (خیرالدین، ۱۳۹۲) (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳) (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰) (مرصوسی، ۱۳۸۳)
	کارایی خدمات	سازگاری / ناسازگاری خدمات با کاربری های مجاور - مجاورت با شبکه دسترسی - کشش پذیری به جمعیت متقاضی - مساحت خدمات	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰) (کریمیان بستانی و مولایی هنجین، ۱۳۹۱)
	نیاز ساکنان به خدمات	اقتصادی - اجتماعی - ویژه	(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰ الف)
عدالت ساختاری	وابستگی فضایی		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰ الف) (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰ ب)
	آزادی		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴)
	فرصت برابر/ برابری		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳) (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴)
	تفاوت/ تنوع		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹) (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳) (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴)
	نیاز		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹)
	شرکت در منفعت عمومی		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹) (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸)
	استحقاق		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹)
	مردم سالاری		(داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴) (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳) (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۴)

نتیجه

چارچوب نظری پیش‌رو از دو رویکرد اساسی عدالت توزیعی و عدالت ساختاری تشکیل شده است. جریان عدالت توزیعی با سهمی برابر ۷۵ درصد از پژوهش‌های انجام‌یافته، جریان نظری اصلی در مقاله‌های داخلی در حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهر را تشکیل داده است. رویکرد عدالت توزیعی در این پژوهش‌ها با هدف دستیابی به برایندهای عادلانه در دو شکل نیاز مینا، برابری مینا نمود پیدا کرده و به سایر انواع مورد اشاره در مبانی نظری موجود چون بازار مینا و تقاضا مینا توجهی نشده است. در این میان نیز عدالت توزیعی برابری مینا بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است که از جمله دلایل اصلی این امر تسلط نظریه‌های سوسیالیستی به ویژه نظریه دیوید هاروی در

در این پژوهش، مقاله‌های چاپ‌شده در فصلنامه‌های علمی معتبر در دهه‌ی اخیر با قلمروی موضوعی عدالت فضایی در مقیاس شهر با استفاده از فن مرور نظام‌مند و تحلیل محتوای مقالات، فرامطالعه شده است. عدالت فضایی، گفتمانی میان‌رشته‌ای و ابزاری مفهومی با محتوای هنجاری است که به‌طور کلی به هدایت و تولید واقعی فضای شهری می‌پردازد. نویسندگان تلاش نمودند تا با فرامطالعه چارچوب نظری موجود، تصویری نسبتاً دقیق از پیشینه‌های علمی عدالت فضایی ترسیم نموده و چشم‌انداز آتی آن را در راستای تدقیق جهت‌گیری‌های پژوهشی، پیش‌بینی کنند. بر این اساس چارچوب نظری عدالت فضایی حاصل از فرامطالعه مقاله‌های منتخب استخراج شد (نمودار ۳).



نمودار ۳- چارچوب نظری عدالت فضایی؛ استخراجی از مقالات مورد بررسی.

دست نخورده برای بررسی و تبیین این جریان می‌باشند. در مجموع در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که مبانی نظری موجود در این حوزه در مطالعات داخلی هنوز به عمق و گستردگی مورد نظر دست نیافته‌اند. پژوهش در این حوزه نیازمند تعمیق و ساماندهی است. موضوعات پژوهشی، چارچوب‌های نظری و دستاوردهای نظری پژوهش باید مورد تجدیدنظر و شناختی قرار گیرند و دارای دقت علمی باشند. دست‌یابی به دقت علمی نیز مدیون پژوهش‌هایی از این قبیل فرامطالعات است تا در سایه این‌گونه پژوهش‌ها با رفع کاستی‌ها، مطالعات سامان بهتری یابند. بر این اساس می‌توان به برخی از ضعف‌های موجود در این مطالعات اشاره کرد. حدود نیمی از پژوهش‌های موجود در این حوزه (۵۵ درصد)، بدون توجه و اهمیت به پیشینه‌های پژوهشی موجود و یا استفاده نادرست و ناآگاهانه و بدون ذکر منبع از پژوهش‌های سایرین در زمینه عدالت فضایی چرخه معیوبی از اطلاعات و کاربرد آن را در توسعه پژوهش‌های داخلی در این زمینه ایجاد کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکم از آن است که از منظر بسندگی مبانی نظری، بیش از ۵۰ درصد مقالات از متوسط و ضعیف ارزیابی شدند. عدم بهره‌گیری از منابع به‌روز، دسته اول، انسجام پایین مطالب و عدم تطبیق ساختار مطالب ارائه شده در مبانی نظری در راستای پاسخگویی به اهداف اصلی مقاله از جمله دلایل مورد توجه در این امر بوده است که این امر خود می‌تواند دلیلی بر ضعف پایه‌های نظری پژوهش باشد. در ارتباط با چارچوب نظری مورد استفاده در این مقاله‌ها نیز می‌توان به کم‌توجهی موجود به پایه‌های پارادایمیک و پیشینه‌های نظری عدالت فضایی اشاره کرد. بیشترین نظریه مورد استفاده در

بخش نظریه‌های پایه پژوهش‌ها می‌باشد. برای هاروی برابری اصل اساسی بوده، از این رو درصد دفع نابرابری‌ها در توزیع سرمایه‌های شهری برآمده است. همین امر سبب شده است تا به پیروی از او، پژوهش‌های داخلی نیز به بررسی رویکرد عدالت توزیعی در سطح وضع موجود (آثار و پیامدهای توسعه شهری) و در قالب محورهای موضوعی چون توزیع خدمات شهری، توسعه‌یافتگی و ارزیابی اثر اقدامات شهری از میان سطوح متفاوت نظام برنامه‌ریزی بسنده کنند. در نهایت نیز به منظور سنجش عدالت فضایی از معیارهای دسترسی ساکنان به خدمات (دستیابی)، توزیع فضایی خدمات و جمعیت، کارایی خدمات، نیاز ساکنان به خدمات و وابستگی فضایی استفاده شده است. جریان دوم نظری، عدالت ساختاری، با سهمی برابر ۲۵ درصد از پژوهش‌های انجام یافته ذیل پارادایم‌های فکری چون لیبرال، سوسیال و اسلام، تعاریف متفاوتی یافته و رویه‌های عادلانه در شهرسازی را هدف قرار داده است. این جریان نظری، نگاهی فرایندی و ساختاری به عدالت داشته و به دنبال رویه‌های عادلانه جهت تحقق عدالت فضایی در شهر است. از این رو معیارهایی چون آزادی، فرصت برابر/ برابری، تفاوت/ تنوع، نیاز، شرکت در منفعت عمومی، استحقاق و مردم‌سالاری جهت تبیین عدالت ساختاری در مطالعات منتخب تبیین شده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که عدالت ساختاری در مطالعات منتخب ذیل محور برنامه‌های توسعه شهری (بررسی اسناد و سنت برنامه‌ریزی) شکل گرفته است. هرچند که سایر محورهای موضوعی چون ساختار حقوقی (قوانین، ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی) و ساختار مدیریت شهری (رویه‌های اجرایی) نیز بستری آماده و

شهری به‌ویژه حوزه عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران در مسیر خود نیاز به مراقبت‌ها و جدیت‌های فراوانی دارد که هوشمندی در حوزه پژوهش، قدم اول برای تحقق آن است. در این راستا ضرورت دارد تا فرصت پژوهش‌های آتی بیش‌تر به ارزیابی عمیق عدالت فضایی در سنت شهرسازی و اسناد توسعه شهری ایران و همچنین رویه‌های اجرایی اختصاص داده شود. گفتنی است در تحقیق حاضر، مقاله‌های فارسی چاپ‌شده در نشریات علمی و دارای رتبه مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فرامطالعه شده است، ولی در پژوهشی فراگیرتر می‌توان افزون بر تحلیل مقاله‌های علمی مرتبط با این حوزه در داخل، مقاله‌های چاپ‌شده در نشریات علمی معتبر خارج از کشور را نیز، بررسی و تحلیل کرد و از این طریق از منابع بیشتری برای تحلیل برخوردار شد. همچنین در این فرامطالعه تنها به ابعاد فرانظری و فراترکیب پژوهش توجه شده است؛ لذا می‌توان در پژوهشی دیگر به مطالعه روش‌های استفاده‌شده در حوزه پژوهش‌های عدالت فضایی در ایران پرداخت؛ زیرا روش‌شناسی پژوهش از ارکان اصلی در معتبرسازی مطالعات انجام‌یافته در این حوزه است.

قالب نظریه پایه در این پژوهش‌ها برگرفته از نظریه شهر و عدالت اجتماعی هاروی است. این نظریه که منتج از تفکر سوسیالیستی پیرامون عدالت و به تبع آن عدالت فضایی است؛ اصل را بر برابری قرار می‌دهد. حال آن‌که ریشه‌های بومی عدالت و تعاریف اسلامی از آن به فراموشی سپرده شده است. همچنین از نظر رویکرد نظری غالب، عدالت توزیعی با بیش از ۷۰ درصد فراوانی (۳۳ مقاله)، از اهمیت و نقش چشمگیری برخوردار است. استفاده از رویکرد عدالت ساختاری در انجام مطالعات در این حوزه، با استقبال بسیار کمتری روبه‌رو بوده است این در حالی است که صورت‌بندی ساختاری از عدالت فضایی به‌عنوان یک گفتمان انتقادی، هدف حذف تبعیض، کاهش فقر، جدایی‌گزینی اجتماعی و سلطه را دنبال می‌کند. همچنین نیاز امروز جامعه ما نیز کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها است. در چنین شرایطی است که محتوای نظری این پژوهش‌ها با آسیب‌های جدی روبه‌رو است. این بدان معنا است که پژوهشگران این حوزه باید به دنبال یافتن راهکارهای علمی برای تغییر وضعیت باشند. در واقع عدالت محوری در برنامه‌ریزی

پی‌نوشت‌ها

در توزیع کاربری اراضی شهری، فصلنامه آرمان شهر، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۲۴۳-۲۵۸.

برک‌پور، ن و اسدی، ا (۱۳۹۰)، مدیریت و حکمروایی شهری (نسخه چاپ دوم)، دانشگاه هنر، تهران.

پوراحمد، ا؛ حاتمی‌نژاد، ح؛ زیاری، ل؛ فرجی، ح و وفایی، ا (۱۳۹۳)، بررسی و ارزیابی کاربری اراضی شهری از منظر عدالت اجتماعی، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۷۹-۲۰۸.

پورمحمدی، م؛ حکمت‌نیا، ح و صفرلویی، م (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۵۷-۷۰.

تبریزی، م (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، صص ۱۰۶-۱۳۸.

تراب‌زاده چهارمی، م و سجادی، ع (۱۳۹۰)، گونه‌شناسی نظریات عدالت مبتنی بر ابعاد فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت، دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۵۹-۹۵. توکلی‌نیا، ح؛ مسلمی، آ؛ فیروزی، ا و بند، س (۱۳۹۴)، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات شهری بر پایه عدالت فضایی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۸۵-۳۰۸.

جوان، ج و عبداللهی، ع (۱۳۸۷)، عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۶.

حاتمی‌نژاد، ح؛ واحدیان بیگی، ل و پرنون، ز (۱۳۹۳)، سنجش الگوی توزیع فضایی خدمات شهری در منطقه ۵ شهر تهران به کمک مدل آنتروپی و ویلیامسون، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۹، شماره ۳، صص ۱۷-۲۸. حافظ‌نیا، م (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

حیبی، ک؛ علیزاده، ه؛ مرادی مسیحی، و؛ ولدبیگی، س و وفایی، س (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سندانج، فصلنامه آرمان شهر، شماره ۷، صص ۱۰۳-۱۱۲.

حکمت‌نیا، ح؛ گیوه‌چی، س؛ حیدری نوشهر، ن و حیدری نوشهر، م (۱۳۹۰)، تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش

1 Judith E. Innes.

2 Patsy Healey.

3 Leonie Sandercock.

4 Frank Fischer.

5 Heather Campbell.

6 Peter Marcuse.

7 Norman Krumholz.

8 Mustafa Dikec.

9 Mixed Methods Research Methodology.

10 Meta-Study.

11 Systematic Review.

12 Open Coding.

۱۳ از رهگذر بررسی بیش از ۵۰ نمونه مقاله مشابه در حوزه‌هایی چون شهرسازی، علوم اجتماعی، جغرافیا و علوم رفتاری و با توجه به اهداف پژوهش حاضر. ۱۴ بعد از این‌که فرم جامع تلخیص و استخراج اطلاعات مقاله‌های مورد بررسی تهیه و آماده شد، به منظور ارزیابی کیفی چارچوب نظری پژوهش‌های انجام شده، در اختیار سه داور متخصص در موضوع پژوهش قرار گرفت و داوران، مقاله‌ها را ارزیابی کردند.

۱۵ البته لازم به ذکر است که بیش از ۹۰ درصد مقاله‌ها، اشاره مستقیمی به رویکرد مورد نظر خود ننموده‌اند. اما نوع انتخاب شاخص‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری وسیله‌ای مناسب برای شناخت غیرمستقیم رویکردهای مذکور بود. ۱۶ مقاله با توجه به این امر که به مرور نظریه‌های عدالت محوری در شهر پرداخته بودند و نظریه پایه‌ای را به‌عنوان زمینه‌ساز تحقیق خود مورد استفاده قرار ندادند، از این بخش کنار گذاشته شدند.

فهرست منابع

ازکیا، م و توکلی، م (۱۳۸۵)، فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۱-۲۶. امین‌زاده، ب و روشن، م (۱۳۹۳)، ارزیابی روش‌های سنجش عدالت فضایی

- استانداردسازی داده‌ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۷، صص ۱۶۵-۱۷۹.
- حیدری چپانه، ر؛ علیزاده زنوزی، ش و عیوضلو، د (۱۳۹۳)، تحلیلی بر توزیع جمعیت و دسترسی به خدمات شهری در شهر مرند مبتنی رویکردی عدالت محور، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۱-۲۷.
- خاکی، غ (۳۸۶)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، انتشارات بازتاب، تهران.
- خیرالدین، ر (۱۳۹۲)، پویایی در ترجمان فضایی کالبدی مفهوم اسلامی عدالت با تحلیل کارنوگرافیک تعادل فضایی در نواحی ۱۱۲ گانه کلان‌شهر تهران، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱، صص ۴۳-۵۸.
- داداش‌پور، ه؛ علیزاده، ب و رستمی، ف (۱۳۹۴ الف)، گفتمان عدالت فضایی در شهر آذرخش، تهران.
- داداش‌پور، ه؛ علیزاده، ب و رستمی، ف (۱۳۹۴ ب)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش جهان، شماره ۱، صص ۷۵-۸۴.
- داداش‌پور، ه؛ رستمی، ف و علیزاده، ب (۱۳۹۴ ج)، بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آن‌ها در شهر همدان، فصلنامه مطالعات شهری کردستان، شماره ۱۲، صص ۵-۱۸.
- داداش‌پور، ه؛ علیزاده، ب و رستمی، ف (۱۳۹۴ د)، جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۴۳، صص ۱۸۱-۲۰۶.
- داداش‌پور، ه و رستمی، ف (۱۳۹۰ الف)، بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.
- داداش‌پور، ه و رستمی، ف (۱۳۹۰ ب)، سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- ذاکریان، م؛ موسوی، م و باقری کشکولی، ع (۱۳۸۹)، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۶۱-۸۴.
- رضوانی، ر (۱۳۸۹)، تحلیل محتوا، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۵۶.
- رفعیان، م و شالی، م (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۲۵-۴۹.
- رهنما، م و ذبیحی، ج (۱۳۹۰)، تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۳، صص ۵-۲۶.
- روستایی، ش؛ ترکمن‌نیا، ن و حسینی، م (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی عدالت فضایی در شاخص‌های ایمنی پارک‌های شهری، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- روستایی، ش؛ بابایی، ا و کاملی‌فر، ز (۱۳۹۲)، ارزیابی عدالت فضایی در پراکنش خدمات شهری مطالعه موردی کلان‌شهر تبریز، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۸۱-۱۰۰.
- زبیری، ک؛ مهدیان بهنمیری، م و مهدی، ع (۱۳۹۲)، بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۲۸، صص ۲۱۷-۲۴۱.
- ساسانپور، ف؛ تابعی، ن؛ مرادی، ث و نیازی، ج (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری در مناطق شهری با رویکرد توسعه پایدار، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۳۷-۴۶.
- سعیدی رضوانی، ه (۱۳۹۴)، گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۶۳.
- سعیدی رضوانی، ه و نوریان، ف (۱۳۸۸)، بازخوانی عدالت در اجرای طرح‌های شهری کشور نمونه میدان شهدا در مشهد، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۸، صص ۸۵-۱۰۲.
- سعیدی رضوانی، ه و نوریان، ف (۱۳۹۳)، شهرسازی عدالت-محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه مطالعات شهری کردستان، شماره ۱۲، صص ۴۷-۵۸.
- سهرابی، ب؛ اعظمی، ا و یزدانی، ح (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۶، صص ۹-۲۴.
- شکوهی، م (۱۳۹۳)، تحولات مفهوم عدالت در جامعه هند و نمود فضایی آن. فصلنامه هنر و تمدن شرق، دوره ۲، شماره ۶، صص ۳۰-۴۱.
- ضرابی، ا و موسوی، م (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۷، صص ۲۷-۴۶.
- طیبیان، م؛ شکوهی، م و ارباب، پ (۱۳۸۹)، ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت. فصلنامه آرمان شهر، شماره ۵، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- عزیزی، م و شکوهی بیدهندی، م (۱۳۹۴)، تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- کامران، ح؛ پریزادی، ط و حسینی امینی، ح (۱۳۸۹)، سطح بندی خدمات شهری در مناطق کلان‌شهر تهران، دوفصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۶۴.
- کریمیان بستانی، م و اقبالی، ن (۱۳۹۰)، بررسی روند توزیع مراکز آموزشی در شهر زاهدان با تأکید بر عدالت اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۹۲.
- کریمیان بستانی، م و مولایی هاشمیه، ن (۱۳۹۱)، ارزیابی عدالت فضایی مراکز آموزشی در شهر زاهدان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS. فصلنامه فضای جغرافیایی، دوره ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۷۰-۱۸۹.
- مارکوس، پ؛ کونلی، ج؛ نووی، ج؛ اولیو، ا؛ پاتر، س و استیل، ج (تدوین کنندگان) (۱۳۹۱)، در جستجوی شهر عدالت‌محور: بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری، مترجم: سعیدی رضوانی، ه. و کشمیری، م. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، تهران.
- محمدپور، ا (۱۳۸۹)، فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، جامعه‌شناسان، تهران.
- مرصوصی، ن (۱۳۸۳)، توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۴، صص ۱۹-۳۱.
- مستوفی الممالکی، ر؛ بسطامی نیا، ا و تازش، ی (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل توسعه تسهیلات شهری از دیدگاه عدالت فضایی، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۷-۱۶.
- موحد، ع؛ تولایی، س؛ کمانرودی کجوری، م و تابعی، ن (۱۳۹۳)، تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات در سطح محلات منطقه شش تهران، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۶، شماره ۱، صص ۵۹-۸۲.
- موسوی، م (۱۳۹۱)، شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۷۷-۱۹۲.
- مهدی‌زاده، ج (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران.
- نظم فر، ح؛ عشقی چهاربرج، ع و قاسمی، م (۱۳۹۳)، تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی درون‌شهری، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۹۱-۱۱۲.
- نوریان، ف و سعیدی رضوانی، ه (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر، فصلنامه ساخت شهر، شماره ۲۰، صص ۱۳-۲۴.
- نیومن، پ و تورنلی، ا (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی شهری در اروپا، مترجم: اقوامی مقدم، ع، انتشارات آذرخش، تهران.
- وارثی، ح؛ زنگی‌آبادی، ع و یغفوری، ح (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- وارثی، ح؛ قائد رحمتی، ص و باستانی فر، ا (۱۳۸۶)، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۵، شماره ۹، صص ۹۱-۱۰۶.
- وفاییان، ا و منصوریان، ی (۱۳۹۳)، چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟

International Journal of Urban and Regional Research, 24, pp.460-472.

Harvey, D (1992), Social justice, postmodernism and the city, *International Journal of Urban and Regional Research*, 16, pp.588-601.

Merrifield, A & Swyngedouw, E (1996), *The urbanization of injustice*, Lawrence and Wishart, London.

Paterson, B; Thorne, S; Canam, C & Jillings, C (2001), *Meta-study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis*, Sage, California.

Soja, E (2009), The city and spatial justice, S. Didier, & F. Dufaux, Eds., *spatial justice*, 1. Retrieved from <http://www.jssj.org>

Zhao, S (1991), Meta-theory, meta-method, meta-data analysis: what, why, and how?, *Sociological Perspectives*, 34, pp.377-390.

فناوری اطلاعات و ارتباطات: مفاهیم و کاربردها، شماره ۱۹۷، صص ۸۵-۹۰. هاروی، د (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، مترجم: حسامیان، ف. و دیگران، چاپ اول، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

Amin, A (2006), The Good City, *Urban Studies*, 43, pp.1009-1023.

Bromberg, A; Morrow, G & Pfeiffer, D (2007), Editorial Note: Why Spatial Justice? *Critical Planning*, 14, pp.1-4.

Dufaux, F; Gervais-Lambony, P; Lehman-Frisch, S & Moreau, S (2009), Birth Announcement, *Spatial Justice*, Retrieved from <http://www.jssj.org>

Fainstein, S (2014), The just city, *International Journal of Urban Sciences*, 18, pp.1-18.

Friedmann, J (2000), The good city: In defense of utopian thinking,

Urban Spatial Justice in Iran;* Meta- Study of Selected Articles' Theoretical Framework

*Hashem Dadashpoor**1, Nina Alvandipour²*

¹ Associate Professor, Urban and Regional Planning Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

² Ph.D. Candidate, Urban and Regional Planning Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

(Received 23 Jul 2016, Accepted 23 Nov 2016)

Contemporary cities from many aspects have challenges with the phenomenon of injustice and in different areas suffer from the distribution of benefits, housing, and access to services. Meanwhile, the spatial justice and related studies have raised in response to these issues as an emerging and interdisciplinary field. Hence, justice has become a principal goal of urban planning in all its institutions and grassroots forms. In parallel, in the last decade in Iran, spatial justice has also been the fundamental issue in the field of urban studies. Several scholars have contributed and commented to this issue. Also, various researches have been conducted in this Academic field. Activists seeking a more fair distribution of the benefits and burdens of society have increasingly turned to broader coalitions of justice. Therefore, this paper intends to analyze theoretical framework of researches in the realm of urban spatial justice in Iran. The article is based on a mixed method research plan and meta-study strategy. Meta-study is a second-order analysis that seeks to not only synthesize the results of prior works, but also to reflect upon the processes within that research. The research design of this meta-study is developed by Paterson et al., which itself was based on Zhao's approach. The two phases of the Meta - study are analysis and synthesis. The analysis must take place before synthesis in order to generate new and more complete understandings of the phenomenon under study. In order to perform this meta-study, the databases of all articles published in Iranian journals and related papers presented at the Congress, and the Student thesis was searched. Finally, the study population consists of 44 articles with a focus on spatial justice in the period 1383-1394. Also, methods such as systematic review and open coding were used

to collect and analyze the data. Then, a comprehensive form for summarizing and extracting data from selected researches were prepared to include categories about the article details and the theoretical framework. The results indicate that the concept of spatial justice is of great value today in Iran to geography and urban planning in particular since it is a concept which transcends disciplinary boundaries. However, there are shallow studies in the interdisciplinary realm of spatial justice too. Also, it is necessary to say that many researches are based on the presumption of socialist definition of justice. Therefore, more articles were addressed in distribution approach of spatial justice based on equality. In these articles justice is frequently evaluated on the basis of "results" or spatial distributions. Meanwhile, they neglected the structural roots of injustice in the form of spatial justice. These roots engage with issues of representational space where identities and experiences constitute the process of justice. Distributive justice is a necessary but not sufficient aspect of a normative pitch in planning, which is badly needed. It fails to address the causes of injustice, which are structural and lie in the role of power. So it is better for the further studies of spatial justice to focus on decision-making procedures.

Keywords: Spatial Justice, Meta-study, Open Coding, Persian Articles, Iran.

*This paper is based on the dissertation of second author entitled: "Grounding the Theoretical Model of spatial justice Based on Islamic Rationality for the urban planning system of Iran". The dissertation is in progress under the guidance of first author in the Faculty of Architecture and Urban Planning of Tarbiat Modares University.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912)3540290, Fax: (+98-21)82883266, E-mail: h-dadashpoor@modares.ac.ir.